

چرا فعالین سیاسی ما نتوانسته اند کار (افغانستان شمول) انجام دهند.

اگر نهاد واقعاً مستقل است و باورمند به سیاست فارغ از قوم، سمت، زبان، تنظیم، تحریک و... هستیم، پس مشکل کجاست!؟

هموطنان ما شاهد یک سلسله فعالیت های صلح جویانه بوده و با ایجاد شورا، جرگه، حرکت، انجمن، کمیسیون، اتحادیه و... نهادهای مدنی به تدویر کنفرانس ها، سمینارها و جلسات متعدد در داخل و خارج کشور دست یازیده اند. ظاهراً هریک از این نهاد های محترم، آرزوی داشتن یک افغانستان واحد، صلح آمیز و با ثبات را اشاعه میدارند، خردگرایی و بلوغ سیاسی دست اندرکاران این نهادها و فعالین، یک نوید خوب بوده و جا دارد کا ردوستانی که در زمینه از عیب و نقص کمتر بر خوردار است، به دیده قدر نگریده و تحسین مینمائیم. تعدادی از فعالین این نهادها خوشبختانه در اثر نتایج و پیامدهای ننگین و فاجعه بار 33 ساله گذشته به این درک و باور عالی رسیده اند، که هر چند ناوقت هم که هست به حکم منطق ناگزیر و مجبوریم برای گذار و شکستن بن بست موجود و آینده بهتر متکی بخود بوده و از تجارب تلخ تاریخ خود باید درس عبرت آموخت. زمان آن فرا رسیده تا سکوت را در برابر رهبران بی کفایت سیاسی خود و نظام متعلق به ایشان شکسته و آوازه طلبانه خویش را بلند نمائیم.

به دلیل جلوگیری از به شهادت نرسیدن بیشتر هموطنان اسیر، دردمند و سوگوار ما که هر روز در اثر عملیات های ظالمانه عاملین جنگ تحمیلی و تقبل قربانی نیروی افغان در سه جهت " تلفات نیروهای ملکی بی دفاع افغان، تلفات نیروهای دولتی معاش بگیر و محتاج نان آور به زن و فرزند، و جمع دیگر که عمدتاً تنظیمی و امتیاز بگیر اند، افغان و تلفات نیروهای مقاومت مجاهدان و طالبان افغان" که این مصیبت و نفاق افغان کُشی از کودتای ننگین هفت ثور 1357 با حمایت شوروی ها آغاز و تا امروز ادامه دارد. جز خرد فرزندان صدیق، آگاه و دلسوز خود افغان هیچ ناجی دیگری خداوند خلق نکرده و منتظر نشستن نیز گناه کبیره است. زیرا انسان، اشرف مخلوقات بوده و ما باید برای تغییر وضع کشور خود کاری انجام دهیم. واضحاً در اثر ریختن خون افغانها، یک جنگ فرسایشی نیابتی و استخباراتی رُقبای کشورهای دور و نزدیک با پلان های طویل المدت به پیش برده میشود.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

از همین جاست که باید برای بقای کشور ما به ابتکار افغان و توسط فرزندان آگاه و دلسوز خود افغان پلانی برای نقطه پایان بدبختی افغان ها گذاشته شود. این عمل خیر و شریفانه انسانی، افغانی و اسلامی مستلزم اراده و تصمیم یک مجموعه کارآمد متشکل از فرزندان حقیبن، حقگو، آگاه، شجاع، دلسوز، فداکار، ایثارگر، مومن، مبارز، مخلص به وطن و مردمش نیازمند است.

این مجموعه ای متشکل از افراد و اشخاص نیک نام اهل علم و سیاست مکلف اند برای حل معضله افغانستان واحد، فارغ از دیدگاه و قضاوت های حزبی، قومی، زبانی، تنظیمی، سمتی، وابستگی های شخصی ایدئولوژیکی به احزاب، تحریک و سازمان های سیاسی خویش، و با قطع روابط تشکیلاتی خود، میتوانند بهتر گره گشاه و طرح مؤثر قابل قبول و افغانستان شمول ارائه نمایند.

در غیر آن با حفظ احترام به حقوق فردی و شخصیت شان، چون حزب و مقام رهبری ایشان در لجن امتیاز، فساد و اشغال علناً سهیم اند، بناء ادعای کاذبانه بنام نهاد مستقل (؟؟!!) مطرح شده نمیتواند.

بناءً جامعه ای به شدت آسیب دیده افغان که در یک فضای عدم اعتماد، عمداً بوجود آورده شده "که در قدمه اول خود ما افغانها مقصر اصلی آن هستیم" به جلسات مشترک افغانی که دور از نفوذ عناصر ضد ملی، دنباله رو و فرصت طلب باشند، با آجدای تامین منافع علیای کشور، وحدت ملی، تأمین صلح عادلانه و باعزت و ترد چهره های بد نام آزمون شده با واقعینی، برای ایجاد فضای اعتماد، اتحاد و ثبات سیاسی کشور، از ضروریات عاجل ما میباشد.

روی این ملحوظ از وظایف خطیر انسانی، ملی، افغانی و اسلامی هریک ما بخصوص از نهاد های بوجود آمده جامعه مدنی اجتماعی سیاسی که ادعای غیر وابستگی نیز دارند، میباشد تا به این اصل و وجبیه ملی خود پی برده و برای ایجاد فضای تفاهم، اخوت و برادری، اعتماد و منافع ملی خویش که بسیار ساده لوحانه و ناعاقبت اندیشانه و با قضاوت های نهایت بی بنیاد و عجولانه از دست داده ایم، با هوشیاری و دقت، منحصت اشرف مخلوقات هر چه زود ترمجدداً به دست آریم.

این هدف والا و سترگ ملی، انسانی و شریفانه زمانی ممکن و مقدور بوده میتواند که دست اندرکاران، کدرهای میانه، جوان و نسل های دوران جهاد مقدس و جنگ های کور بی هدف تحمیلی و تنظیمی به نا فهمی سیاست مداران خود کامه، خود خواه و بی کفایت، آله دست اغیار و جهاد فروشان، آگاه بوده و از تجارب تلخ آنان جداً درس عبرت گرفته باشند.

این هموطن شما که مثل ملیونها وطن دوست دیگر از اوضاع حاکم در کشور متضرر بوده، در سطح فهم و درک ناچیز خود در اندیشه و فکر بوده و به راه بیرون رفت حل عادلانه قضیه سیاسی کشورم منحیث یکی از قربانیان و فرزند متعهد و وارث به این خاک مقدس، بخود حق داده، در کنار سائر فرزندان ایثارگر و سنگرداران حفظ شرف،

غرور، وحدت ملی و تمامیت ارضی، عاجزانه و بدون مُدعا مُخلصانه بعرض می رسانم که حل قضیه سیاسی افغانستان فقط منوط و مربوط به محدوده جغرافیای افغانستان نبوده و صرف مقاومت مسلحانه با قیمت نهایت گزاف ریخته شدن خون میلیونها افغان آزاده مسلمان از دُنیا بی خبر و شکم گرسنه نبوده، بل مثل همه جنگ های خورد و بزرگ و کشمکش های جهانی بُود سیاسی، تبلیغی و لابیستی داشته و تفاهم قدرتهای بازیگر جهان، کفایت و ابتکار لازم درمیزمذاکره نقش جدی و رول تعیین کننده دارد. همه بشریت واقعبین جهان، متفق القول اند که: حق گرفته میشود و نه داده میشود. بناً مقاومت برحق مجاهدان افغان که در اثر حمله عجلانه امریکا و ائتلاف جهانی و دولت ناکارآمد بوسیله کنفرانس بن اول بوجود آمد، حق طبیعی و قانونی اکثریت قاطع و خاموش مردم افغانستان تلف گردیده و در نظر گرفته نشده است.

علاوتاً در اثر بر خوردهای انتقام جویانه و بلند پروازانه مفسدین دولت، در برابر مردم بی دفاع کشور بخصوص مناطق جنوب کشور، مخالفین و رُقبای اشغال در منطقه و استخبارات همسایگان آشنا در قضیه افغانستان یک بار دیگر با زمینه مساعد، و مهاجرت های تحمیلی مجدد بخارج کشور بوجود آمد. همسایگان آزمون شده و در کمین نشسته ما مداخله نموده و بار دیگر توانستند رهبری مقاومت را بنفع امیال شوم شان در اختیار خویش نگهداشته و در دُشمنی رُک و راست با ملت واحد افغانستان، رُقبای منافع خویش را وا دار به باج دهی و درهم پیمانی خود بکشانند.

حالا دیگر به هر مجاهد راستین اسلام و طالب حقیقی روستائی دیروز، روشن و آشکار گردیده است که: دولت مردان کشورهای همسایه، وطندوستان حقیقی کشورهای خویش اند. که مثل هر سیاست مدار دیگر صرف به منافع کشور مطبوع خود می اندیشند. و نه برای منافع بیگانه ها ! همانگونه که رهبران شوروی با حکومتات و رهبران وابسته بخود وفادار نمانده و در نهایت به رهبران مجاهدین در معامله به فروش رسانیده شدند. و همانگونه که ایران و پاکستان به احزاب خود ساخته و رهبران تقلبی و تحمیلی بر مجاهدین، در جنگ های تحمیلی و تنظیمی ضد ملی و ضد اسلامی برضد هم قراردادند، و در ظهور تحریک طالبان کمک نموده، همه رهبران مجاهدین را به پای ملامحمد عمرآخند در بست سودا و تکرار بازی را در حادثه 11 سپتمبر با امریکا انجام داده، رهبران طالب را به زندان ها افکنده و مورد معامله قرار گرفتند. امروز نیز عین تلاش را دارند تا مثل دوران جهاد یک بار دیگر ثمره پامردی و بهای ریختن خون مقاومت گران افغان را در انحصار خویش نگهداشته به نیابت از مقاومت مجاهدان، کشور ثالث یا استخبارات کشورهای بیگانه در غیاب ملت واحد افغانستان به میز مذاکره در عقب درهای بسته نمایندگی نمایند. که این کمبود و ضعف بگمان این حقیر هیچ مدان اما " قلم متعلق به اکثریت خاموش" به شکل نهایت برجسته اش از زمان جهاد علیه شوروی ها تا امروز با تأسف به قوتش باقی مانده است. مبارزات آزادی خواهانه ملت واحد افغانستان همیشه برنده میدان جنگ و بازنده میدان صلح بوده، که این بار چنین مباد! با توجه به این همه حقایق تلخ و انکار ناپذیر باز هم فعالین و دست اندرکاران افغان و اهل سیاست ما اگر امریکا، روس و چین را مقصر میدانند، یا سیاست های الحادی و کفری را مسؤول این نه فهمی ها میدانند، یا دولت های عربستان سعودی، مصر، ترکیه، کشورهای اتحادیه عربی قطر، ایران پاکستان و ... کشورهای اسلامی را خدا ناخواسته نامسلمان و همه را آله دست استکبار قلمداد می نمایند! و خود را مسلمان تر از دیگران و در میز مذاکره به دستور دیگران و مطابق منافع کشورهای رقیب حضور فعال و شایسته گرفته نمیتوانند، و تا هنوز اسلام عزیز و استقلال کشور را در دنبال رهبران که آدرس های شان!؟ عمداً گم و نا معلوم؟ وانمود میگردد! جُست وجو نمائیم، در واقع معنی این همه، توهین به ملت آزاده افغان تلقی شده میتواند و بس. به امید وحدت کُلیه نیرو های ملی گرا، آزادیخوا، وطن دوست، متعهد به یک افغانستان واحد و یک پارچه!

پایان